

# خاورمیانه در سده بیست و یکم

چارلز ویلیامینز

ترجمه ضیاء تاج الدین

چکیده: این مقاله به برخی از تحولات جاری در خاورمیانه می‌پردازد که احتمالاً استمرار خواهد یافت و بر روند تاریخ منطقه و خارج از آن در سده آتی تأثیر خواهد نهاد. این تحولات شامل رشد جمعیت، گسترش دانش از حیث مهارت فنی و آگاهی همگانی، و مبارزه بر سر منابع است.

در نیمه دوم سده بیستم، خاورمیانه منطقه جنگ بین دولت‌ها و شورش داخلی بوده است. اکنون که ما به سده بیست و یکم نزدیک می‌شویم، درباره آینده خاورمیانه چه می‌توان گفت؟ آیا خاورمیانه منطقه جنگ و خشونت باقی خواهد ماند؟

البته در هر سده فقط چند تحول خاص وجود دارد که می‌توان با اطمینان به پیش‌بینی آنها پرداخت. بنجامین دیزراییلی (Benjamin Disraeli)، رقیب بزرگ گلاستون (Gladstone) در سیاست بریتانیا، مشکلات برخاسته از تلاش برای پیش‌بینی آینده را بیش از یک سده قبل خاطر نشان ساخت: «آنچه که ما پیش‌بینی می‌کنیم، به ندرت روی می‌دهد؛ اما آنچه که ما کمتر از همه انتظار داریم، معمولاً به وقوع می‌پیوندد.»<sup>(۱)</sup> به دیگر سخن، هیچ انسانی نمی‌تواند امور غیر قابل پیش‌بینی را پیش‌بینی کند. آنچه که ما می‌توانیم درباره بخش بزرگی از آینده بدانیم این است

که رخدادهای مهم اما غیر قابل پیش‌بینی‌ای به وقوع خواهد پیوست. ما می‌توانیم وقوع این رخدادهای را از حیث فکری مد نظر قرار دهیم، اما نمی‌توانیم عملاً خود را برای آنها آماده سازیم.

آیا این به معنای ناتوانی کامل ما در تلاش برای نگرش دقیق به آینده منطقه‌ای مانند خاورمیانه است؟ هرگز. ما می‌توانیم به برخی از رخدادهایی بنگریم که اکنون در حال وقوع است و احتمالاً استمرار خواهد یافت. همچنین می‌دانیم که چنانچه این رخدادهای استمرار یابد، یقیناً بر روند تاریخ سده آتی تأثیر خواهد نهاد. این تحولات عبارت است از رشد جمعیت، گسترش دانش از حیث مهارت فنی و آگاهی همگانی، و مبارزه بر سر منابع. اجازه دهید به هر یک از تحولاتی که در دهه‌های سده آینده بر جهان و لذا بر خاورمیانه تأثیر خواهد گذاشت، نظر بیافکنیم.

### رشد جمعیت

جمعیت یکی از بزرگترین عوامل دگرگونی است. واقعیت این است که بزرگترین دگرگونیهای تاریخی معمولاً در بستر زناشویی آغاز می‌شود، آن‌گاه که مردان و زنان در روابط فردی خود تصمیمهایی اتخاذ می‌کنند که در کلیت خود آغازگر تغییر در روند ملت‌هاست. در سراسر تاریخ، اکثر قدرتهای بزرگ نیز در بین پرجمعیت‌ترین ملتها وجود داشته‌اند. برای نمونه، آیا اتفاقی است که، در طی تاریخ مکتوب، مهم‌ترین کشور جهان چین بوده است و اینکه این کشور مجدداً در حال تبدیل شدن به طلایه‌دار تاریخ است؟

فرانسه قدرت بزرگ سده‌های هفدهم و هجدهم بود. این کشور هنجارهای فرهنگی و سیاسی اروپا در سراسر این دوره را رقم زد. آیا این واقعیت صرفاً بر اساس کیفیت زمامداری در فرانسه از زمان کاردینال ریشلیو (Cardinal Richelieu) تا زمان ژنرال بناپارت (General Bonaparte) قابل تبیین است، یا باید این واقعیت را هم در نظر گرفت که فرانسه در بیشتر این دوره متحدتر و پرجمعیت‌تر از اکثر کشورهای دیگر اروپا بود؟

ایالات متحده آمریکا بزرگترین ملت در جهان امروز است. به سختی می‌توان استدلال کرد که دستیابی این ملت به اوج قدرت و نفوذ نتیجه عظمت زمامداری است، بلکه باید گفت که ایالات متحده آمریکا به سبب پیوند جمعیت با بالاترین سطح فن‌آوری بر بقیه جهان چنین تأثیر بزرگی گذاشته است.

اکنون با توجه به این نکته به خاورمیانه می‌پردازیم. در سده آینده در این منطقه که عمدتاً

مسلمان‌نشین است، جمعیت احتمالاً منشأ دگرگونیهای تاریخی بزرگی خواهد بود. در سال ۱۹۸۰، مسلمانان حدود ۱۸ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دادند. انتظار می‌رود که تا پایان ربع اول سده آینده مسلمانان بیش از ۳۰ درصد جمعیت جهان را تشکیل دهند.<sup>(۲)</sup> همچنین انتظار می‌رود که این میزان رشد سریع در خود خاورمیانه ادامه یابد. بنابراین، پیش‌بینی می‌شود که جمعیت مصر کمتر از ۷۰ میلیون نفر در حال حاضر به حدود ۱۲۰ میلیون نفر تا اواسط سده آینده برسد، جمعیت عربستان سعودی حدود سه برابر شود و از ۲۱ میلیون نفر به ۶۱ میلیون نفر افزایش یابد، سوریه به یک قدرت بزرگ جمعیتی با جمعیتی حدود ۵۰ میلیون نفر تا سال ۲۰۲۵ تبدیل شود، و جمعیت عراق نیز تقریباً به همین تعداد برسد. جمعیت ایران، همسایه این کشورها، به بیش از ۱۶۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت که برابر با جمعیت فعلی روسیه خواهد بود، و کشور همسایه آن، افغانستان، جمعیتی برابر با جمعیت کنونی مصر خواهد داشت.<sup>(۳)</sup> دگرگونیهای جمعیتی عمده‌ای وجود دارد که مسلماً تاریخ این منطقه را متحول خواهد ساخت.

در بسیاری از کشورهای غربی این گرایش وجود دارد که خاورمیانه با خشونت سیاسی یکسان قلمداد شود. به همین علت، نگاهی به وضعیت متغیر جمعیت در کشورهای مسلمان آموزنده است. در بسیاری از این کشورها، مشخصه‌میزه جمعیت تعداد فزاینده جوانان بوده است که به سبب ناشکیبایی دارای خواست‌هایی جدی از هر نظام سیاسی هستند. در سه دهه گذشته، کشورهای مسلمانی که در آنها گروه‌های ۱۵ تا ۲۴ ساله حدود ۲۰ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دادند، کشورهایمانند بوسنی و ایران در دهه ۱۹۷۰، آلبانی، سوریه و ترکیه در دهه ۱۹۸۰، و الجزایر، اندونزی، ایران و اردن در دهه ۱۹۹۰ را شامل می‌شد. بنابراین، آیا اتفاقی است که برخی از خشن‌ترین جوامع جهان در چند سال اخیر آلبانی، الجزایر، بوسنی، ایران، و ترکیه بوده‌اند؟ آیا می‌توان این خشونت را فقط بر اساس رهبری نامطلوب تبیین کرد، یا اینکه میزانی از فشار جمعیتی وجود داشته است که هیچ دولتی، چه در خاورمیانه و چه در اروپا، قادر به مهار مؤثر آن نبوده است؟

ساموئل پی. هانتینگتون (Samuel P. Huntington) ارقامی را در کتاب *برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی*<sup>(۴)</sup> نقل می‌کند و این برداشت را متبادر می‌سازد که جوانان در فرهنگهای اسلامی به طرز بی‌بدیلی خشن هستند؛ اما همان‌گونه که خود وی خاطر نشان می‌کند، شورشهای سال ۱۹۸۶ در بسیاری از کشورهای غربی توسط موجی از کودکان، یا به اصطلاح پریایان (baby

(boomers) در پایان جنگ جهانی دوم به راه افتاده که زمان شورش در سراسر شمال صنعتی در سال ۱۹۸۶ به سن بیست و پنج سالگی رسیدند. از جنبه فشاری که جمعیت جوان پرچوش ممکن است به هر نظام وارد کند، دانستن این نکته که کشورهای مصر، ایران، عراق، اردن، لیبی، عمان، پاکستان، عربستان سعودی، سودان، سوریه و یمن در خاورمیانه افزایشی تازه در تعداد جوانان را در ۲۰ سال اول سده آینده تجربه خواهند کرد، موجب اطمینان خاطر نمی‌شود. در مورد مصر و عربستان سعودی، ما از ارکان حضور آمریکا در این منطقه سخن می‌گوییم. به دیگر سخن، چنانچه دلیل دیگری هم وجود نداشته باشد، این ارکان به دلایل جمعیتی در سالهای آتی تحت فشار شدید قرار خواهند گرفت. احتمالاً نه «دولتهای سرکش» بلکه دولتهای مواجه با فشار جمعیت بزرگترین چالش برای موقعیت آمریکا در خاورمیانه در سده آینده خواهند بود.

### فن‌آوری

کشورهای خاورمیانه دوران حتی سخت‌تری را برای مهار فشارهای داخلی پیش‌رو خواهند داشت، زیرا فن‌آوری در این منطقه نیز همانند دیگر مناطق شروع به دگرگون ساختن رابطه بین حکومت و مردم خواهد کرد. با نگاهی به گذشته می‌توان دید که فن‌آوری از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۷۰ یاری زیادی به تمرکزگرایان رسانید. راه‌آهن، صنعت تولید انبوه، تلگراف، تلفن، رادیو و تلویزیون همگی به مناطق مرکزی کمک کرد تا مناطق پیرامونی را به مرکز جذب کنند و تحت سلطه درآورند. چنین می‌نماید که اکنون فن‌آوری به سود تمرکززداییان باشد. پیدایش اقتصاد خدماتی، گسترش اینترنت، افزایش شدید شبکه‌های تلویزیونی کابلی، و رشد سواد همگانی در مجموع مناطق پیرامونی را به ضرر مناطق مرکزی تقویت می‌کند. این عوامل عامل توانمندسازی در سطح محلی و تضعیف اقتدار در مرکز است.

چنانچه خاورمیانه بخواهد از خود در مقابل بیگانگان دفاع کند، به منافع انقلاب در زمینه تمرکزسازی نیاز دارد، امری که در غرب خاتمه یافته است. اگر خاورمیانه بخواهد مردم خود را سیر کند، به منافع انقلاب در زمینه تمرکزسازی نیاز دارد، امری که در اکثر مناطق جهان در حال گسترش است. به نظر می‌رسد که این نسخه آماده‌ای برای آشوب باشد. از آنجا که نفت و آب به طور بالقوه در این امر دخیل است، این نوع آشوب می‌تواند پای قدرتهای بیگانه را به این منطقه بکشانند.

همین چند دهه قبل ممکن بود که برخی از حکومت‌های خاورمیانه تلاش کنند تا با سیاست

سرکوب و پنهان کاری و در صورت ضرورت با کشتار بر این تنش فائق آیند و در عین حال روشهای مورد استفاده و تعادل‌های ایجاد شده را از مردم خود پنهان سازند. اما تقریباً مسلم به نظر می‌رسد که در سده آینده مسایل واضح‌تر خواهد شد. پیامدهای این مسایل برای زمامداری در همه مناطق به خصوص در خاورمیانه عمیق خواهد بود. این وضوح فزاینده حکومتها را در استمرار بخشیدن به سیاستهایی که آنها به طور معمول در گذشته اعمال می‌کردند، با دشواری مواجه خواهد ساخت. انجام معامله‌های پشت پرده دشوارتر، کتمان اشتباهات حکومتها سخت‌تر خواهد شد، و میزان خطا کاهش خواهد یافت.

ممکن است که حکومت‌های خاورمیانه با این روند مقابله کنند، اما شکست خواهند خورد، مردم در سرتاسر جهان باسوادتر می‌شوند. در همه جا آنان به اطلاعات دسترسی بیشتری می‌یابند. یقیناً مقابله با روند واضح شدن مسایل امکان‌پذیر نخواهد بود. با وجود این، سواد و اطلاعات بیشتر به مفهوم مسؤلیت بیشتر نخواهد بود. افزایش مخاطبان در جهان فرصت‌های تازه‌ای برای رسانه‌های جمعی فراهم خواهد کرد، برای دستیابی به این مخاطبان، رسانه‌های جهانی تجاری‌تر و غیر متعارف‌تر خواهند شد. با این همه، سواد و اطلاعات بیشتر ضرورتاً به مفهوم مسؤلیت بیشتر نیست. ممکن است که رسانه‌های جدید کمتر به تعصب ملی یا سیاسی گرایش داشته باشند، اما رسانه‌هایی با چنین اهداف تجاری ضرورتاً آموزنده‌تر و مسؤول‌تر نخواهند بود. رسانه‌های جهانی آزادی که سرگرم‌کننده باشند، یقیناً بهتر از رسانه‌های دولتی نظارت شده‌ای هستند که دروغ‌پردازی می‌کنند. با این همه، رسانه‌های جهانی آزاد ضرورتاً تأمین‌کننده اطلاعاتی نخواهند بود که توده‌های باسوادتر نیاز دارند. دقیقاً از آنجا که هدف رسانه‌های جهانی جدید عمدتاً دسترسی به بازار است، احتمال می‌رود که این رسانه‌ها طرفدار سطحی‌نگری و احساس‌گرایی باشند. هدف آنها نه حفظ کیفیت بلکه افزایش مخاطبان خواهد بود.

### آگاهی سیاسی

گرچه بسیاری از کشورهای جنوب در سده آینده بسیار ثروتمندتر خواهند شد، اما به نظر می‌رسد که امید کمی برای از بین رفتن شکاف بین شمال و جنوب از جنبه فن‌آوری وجود داشته باشد. احتمالاً شکاف بین خاورمیانه و شمال گسترش خواهد یافت. آیا این بدین مفهوم است که موازنه قدرت بین خاورمیانه و شمال در دهه‌های آینده حتی به طرز قطعی‌تری به نفع شمال خواهد شد؟ ضرورتاً چنین نخواهد شد، زیرا توانایی شمال برای استفاده از برتری فن‌آورانه به

منظور سلطه بر جنوب واقعاً رو به کاهش است. شمال می‌تواند از این برتری قطعی خود نه برای غلبه بلکه برای فشار بر جنوب بهره‌گیرد. علت اصلی این امر آگاهی سیاسی فزاینده در جنوب و مقاومت روزافزون علیه دادن تلفات انسانی در غرب است. در یک کلام، این احتمال رو به افزایش است که مردم برخوردار از آگاهی سیاسی خود را همتراز با مردم برخوردار از قابلیت فنی ببینند.

چرا؟ با نگاهی به تاریخ این سده درمی‌یابیم که یکی از مشخصه‌های غالب آن پیدایش آگاهی سیاسی در جنوب خصوصاً در خاورمیانه است. علت سلطه طولانی شمال بر جنوب نه تسلیم سیاسی جنوب بلکه برتری نظامی شمال بود، گرچه این برتری همواره وجود داشت. جنوب نظم سیاسی تحمیلی اروپا را برای چندین دهه پذیرفت، و مادامی که این پذیرش این امر وجود داشت، نظم استعماری حاکم بود. هنگامی که ملت‌های جنوب از این پذیرش دست کشیدند، فروپاشی این نظم آغاز شد و کشورها یکی پس از دیگری به استقلال دست یافتند. به عبارت دیگر، هنگامی که ملت‌های جنوب تصمیم به آزادی گرفتند، سلاح‌های شمال دیگر کافی نبود. بدین ترتیب، نظمی نو پدید آمد.

تاریخ خاورمیانه در این سده عمدتاً از تلاش اجتماعی حکایت دارد که در لوای استعمارزدایی و با الهام از آگاهی سیاسی ایجاد شده برای اخراج سیاسی غرب از جهان اسلام صورت گرفت. همین تلاش بود که عمدتاً با موفقیت قرین شد.

در سده آینده، میزان این آگاهی سیاسی احتمالاً فقط تعمیق خواهد شد. رشد آگاهی سیاسی در جنوب به تدریج رابطه قدرت بین شمال و جنوب را در سراسر جهان دگرگون می‌سازد و در آینده نیز چنین خواهد کرد. می‌توان انتظار داشت که در سده آینده جنوب جسورتر و شمال مقیدتر شود.

حکومت‌های غربی معمولاً سربازان خود را در لوای حفظ عظمت و برانگیختن تحسین مردم مشتاقانه به سوی مرگ گسیل می‌کردند. آنان دیگر نمی‌توانند چنین کنند. در ضمن، مردم جنوب به رغم امید اندکی که وجود دارد، همچنان با مداخله شمال مقابله می‌کنند. این پدیده را می‌توان در مبارزه علیه مداخله آمریکایی‌ها در ویتنام، روسها در افغانستان، اسرائیلی‌ها در لبنان و کرانه غربی، و اخیراً روسها در چین مشاهده کرد. دلیل عراق برای امتناع از تسلیم در برابر ایالات متحده آمریکا هر چه که باشد، صرفاً یکی دیگر از این موارد است.

همه کشورهای شمال به خوبی از تلفاتی انسانی آگاهی می‌یابند؛ این امر بیش از همه در مورد ایالات متحده آمریکا مصداق دارد. اما بر خلاف محور عمومی بحث در این کشور نمی‌توان آن‌گونه که متداول است، این پدیده را با اشاره به نقش فزاینده رسانه‌ها تبیین کرد. در خلال مداخله شوروی در افغانستان، رسانه‌های این کشور صادقانه از خط‌مشی حکومت تقلید کورکورانه کردند. با وجود این، مخالفت فزاینده عمومی با این مداخله در داخل شوروی حکومت را وادار به بازگرداندن نیروهایش کرد. شاید بتوان این تغییر را بر اساس کاهش رو به تزاید جمعیت در شمال تبیین کرد. خانواده‌های ساکن در شمال فقط یک یا دو فرزند دارند. آنان مایل نیستند فرزندان خود را در منازعه‌ای نظامی از دست دهند که از نظر آنها لازمه بقای میهن نیست.

اهمیت این سخن برای سده آینده این است که شمال در عین توانایی برای بمباران هوایی به ندرت در مبارزه زمینی تسلط خواهد داشت. شمال قادر به مجازات جنوب خواهد بود، اما توان غلبه بر آن را نخواهد داشت. شمال می‌تواند در جنگ خلیج فارس پیروز شود، اما نمی‌تواند حکومت عراق را تغییر دهد؛ می‌تواند گروزی را در هم کوبد، اما نمی‌تواند روحیه استقلال‌خواهی مردم چین را ریشه کن کند، می‌تواند شهرهای جنوب لبنان را گلوله‌باران کند، اما نمی‌تواند مقاومت در برابر اشغال را فرونشاند. به نظر من، در سده آینده احتمالاً این وضعیت تغییر خواهد کرد. حفظ این روند مستلزم استفاده بیرحمانه از زور توسط شمال است که بعید است بتوان آن را بجز در تنازع برای بقا مشاهده کرد.

در ضمن، گسترش تسلیحات در سرتاسر جهان استمرار خواهد یافت و سایر کشورها لااقل به برخی از سلاح‌هایی دست خواهند یافت که اکنون غرب برتری خود را مرهون آنها می‌داند. در ۲۰ اوت ۱۹۹۷، چین نخستین موشک دوربرد «۳ بی» را پس از چندین تلاش ناموفق در سالهای گذشته با موفقیت پرتاب کرد. این رخداد فقط به زمان نیاز داشت. بعید است که غرب در دهه‌های آتی بتواند تفاوت جاری بین قدرتهای هسته‌ای و غیرهسته‌ای را که اکنون به نفع غرب است، با موفقیت حفظ کند. سایر کشورها این قدرت را کسب خواهند کرد، یا اینکه غرب با اتخاذ اقدام‌های جدی برای کاهش اتکای خود بر سلاح‌های هسته‌ای به این تفاوت خاتمه خواهد داد که نمونه‌های آن عبارت است از چرخش به سوی حداقل عامل بازدارنده، اعلام نظریه عدم استفاده اولیه، و شروع تلاش‌های جدی برای گام نهادن در مسیری طولانی برای نابودی کامل سلاح‌های هسته‌ای. هرگز اتفاق نیفتاده است که دیگر کشورها به این گونه انحصار کردن نهاده

باشند و بعید است که تاریخ در این مورد تغییر کند. این نکته بدین معناست که در سده آینده یکی از کشورهای خاورمیانه، علاوه بر اسرائیل، به سلاحهای کشتار جمعی دست خواهد یافت. این رخداد فقط به زمان نیاز دارد.

آیا این واقعیت که کشورهای خاورمیانه به علت مشخصه جمعیتی در معرض آشوب داخلی بیشتری هستند، بدین معناست که آنها به سبب دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی از نظر بین‌المللی ستیزه‌جو تر خواهند شد؟ من در این مورد تردید دارم. گرچه شماری از کشورهای خاورمیانه جنایات چشمگیری را علیه مردم خود و کشورهای همسایه مرتکب شده‌اند، اما به طور کلی اسلام در دهه‌های اخیر عموماً از مرزهای خود پا فراتر ننهاده است. در مجموع، مشاهده موارد اخیر خشونت بین جهان اسلام و جهان غیر اسلام در بوسنی، قفقاز، و خلیج فارس نشان می‌دهد که ظاهراً جهان غیر اسلام دست به تجاوز علیه مسلمانان زده است، نه برعکس.

این طور نیست که جهان اسلام بهتر از جهان غیر اسلام باشد. مسأله صرفاً این است که جهان اسلام ضعیف‌تر است و چنین باقی خواهد ماند. جهان اسلام بجز توسل به تروریسم قدرتی برای تهدید جهان غیر اسلام ندارد؛ حتی اگر جهان اسلام سلاحهای کشتار جمعی را در اختیار داشت، باز هم این مسأله صادق بود. تروریسم قدرتی برای مقاومت است، نه برای تسخیر و استیلا. تقریباً مسلم است که خاورمیانه توانایی روزافزونی برای مقاومت علیه فرامین دیگر کشورها کسب خواهد کرد و حتی به تنبیه کشورهای خود خواهد پرداخت که سعی در انجام چنین اقدامهایی دارند، اما خاورمیانه توانایی بسیار اندکی برای اعمال قدرت بر دیگر کشورها خواهد داشت.

### منابع

در چند دهه گذشته، بقیه جهان شاهد تحولی بنیادین در رفتار دولتها بوده است که باید امیدوار بود گذرا نباشد. از جنبه تاریخی، کشورها دریافته‌اند که می‌توانند از رهگذر جنگ به ثروت دست یابند. پیروزی به مفهوم زمین و جمعیت بیشتر بود؛ و تا سده کنونی کسب هر دو به مفهوم ثروت بود. با این همه، از آغاز مبارزه ضد استعماری و تشدید آن در طی جنگ جهانی دوم و پس از آن، دستیابی به زمین و جمعیت نه به مفهوم ثروت بلکه به منزله مبارزه مستمر با جمعیت مغلوب بود که از پذیرش نظم جدید سرباز می‌زد. مردم بومی به رغم حقارت چشمگیری از حیث جنگ افزارهای متعارف و یقیناً غیرمتعارف توانسته‌اند کشورهای قدرتمندی مانند



بریتانیا، فرانسه، اتحاد شوروی، و ایالات متحده آمریکا را شکست دهند.

در ضمن، راه دیگری برای کسب نفوذ و قدرت گشوده شده است. کشورهای آسیایی نشان داده‌اند که حکومتها می‌توانند نفوذ زیادی نه از طریق توسعه طلبی خارجی بلکه از راه توسعه داخلی به دست آورند. این مورد چشمگیر در سده آتی چالش دشواری را پیش روی کشورهای خاورمیانه خواهد نهاد. خاورمیانه کماکان یکی از مناطق جهان خواهد بود که در آن مبارزه بر سر منابعی مانند نفت و آب استمرار خواهد یافت و لذا جنگ همچنان سودآور خواهد بود. همچنین خاورمیانه یکی از معدود مناطق جهان باقی خواهد ماند که رهبران آن به کسب ثروت و نفوذ نه از طریق توسعه داخلی بلکه از راه جنگ باور خواهند داشت.

در خاورمیانه، جنگ آن چنان سودآور خواهد بود که نظیری در اکثر مناطق دیگر نخواهد داشت. پیروزی ممکن است زمینی را به ارمغان آورد که دارای منابع بیشتری مانند آب یا نفت است. چنانچه عراق در جنگ خلیج فارس پیروز شده بود، نفت بیشتری در اختیار داشت. اگر اسرائیل بخشهای قابل ملاحظه‌ای از بلندیهای جولان و کرانه غربی را حفظ کند، به آب بیشتری دست خواهد یافت. در دهه‌های آتی، نفت و آب در خاورمیانه به طور روزافزونی به مسأله‌ای مبرم بدل خواهد شد و هر یک از این دو برخوردی را به وجود خواهد آورد.

طبق آمار وزارت انرژی ایالات متحده آمریکا انتظار می‌رود که مصرف روزانه نفت در جهان از ۷۷/۸ میلیون بشکه در سال ۱۹۹۵ به ۱۰۴/۶ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۵ افزایش یابد.<sup>(۵)</sup> کشورهای خلیج فارس باید تولید خود را حدود دو برابر افزایش دهند یا آنکه افزایش تقاضا را برآورده نسازند. اکثر تقاضاهای جدید مربوط به کشورهای آسیایی خواهد بود که به احتمال قریب به یقین در آینده بیش از گذشته به مسایل خلیج فارس علاقه‌مند خواهند شد. انتظار می‌رود که نیازهای نفتی چین بین سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ به بیش از دو برابر افزایش یابد.<sup>(۶)</sup> چین این مقدار نفت را از کجا تأمین خواهد کرد؟ ژاپن، که به نفت خاورمیانه وابسته است، از مشاهده حفاظت از خطوط نفت توسط ایالات متحده آمریکا خرسند بوده است. بعید است که چین از قیمت آمریکا رضایت داشته باشد. مسلماً به همین دلیل است که چین در حال گسترش نیروی دریایی خود است. می‌توان انتظار داشت که در سده آینده برخوردهایی بین ایالات متحده آمریکا و چین بر سر خاورمیانه روی دهد.

متخصصان اطلاعاتی در درون حکومت آمریکا در اوایل دهه ۱۹۸۰ شروع به شناسایی مناطقی در جهان کردند که ممکن است برخورد در مورد آب از آنجا آغاز شود. اکثر این مناطق در خاورمیانه قرار دارند. برآورد می‌شود که اکنون اسرائیل حدوداً ۲۰ درصد بیش از میزان جایگزینی طبیعی از منابع آب استفاده می‌کند، و انتظار می‌رود که جمعیت این کشور تا سال ۲۰۵۰ سه میلیون افزایش یابد. همچنین پیش‌بینی می‌شود در اردن، که اکنون دچار کمبود آب است، جمعیت از ۶/۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ به حدود ۱۷ میلیون نفر در سال ۲۰۵۰ افزایش یابد.<sup>(۷)</sup>

نفت یکی از معدود منابع به جا مانده است که ممکن است ملتهای فاقد نفت برای آن به جنگ برخیزند. شاید آب تنها منبعی باشد که همه کشورهای مواجه با کمبود آب بر سر آن وارد جنگ شوند. در این مورد، ترکیب رشد جمعیت و آب‌وهوای عمدتاً بیابانی خاورمیانه دال بر آینده‌ای بسیار پرآشوب است.

نیاز سرانه به آب حدود یک هزار مترمکعب در سال است، در حالی که برای برآوردن مایحتاج سرانه غذایی باید ۱۰۰۰ مترمکعب آب مصرف شود.<sup>(۸)</sup> چنانچه دولتهای خاورمیانه با ترغیب میلیونها روستایی برای مهاجرت به شهرها بتوانند مواد غذایی را وارد کنند، آنگاه آب کافی برای مردم وجود خواهد داشت. اما آیا در شهرها شغلی برای آنها وجود خواهد داشت؟ آیا منابعی وجود خواهد داشت که بتواند با تولید مازاد صادراتی هزینه این مواد غذایی را تأمین کند؟

آب موضوع اصلی در صلح بین اعراب و اسرائیل خواهد بود؛ و چنانچه آبی وجود نداشته باشد، صلح استمرار نخواهد یافت. در سطح گسترده‌تر این منطقه، چنانچه ثبات همراه با بی‌آبی باشد، پابرجا نخواهد ماند؛ با این همه، آیا اسرائیل یا همسایگانش برای انجام اصلاحات اقتصادی بنیادینی که لازمه منطبق ساختن رشد جمعیت با موجودی آب است، آمادگی دارند؟

بنابراین، ممکن است که خاورمیانه دقیقاً در سده آینده بر اساس مسایل امنیتی با بسیاری از سایر مناطق جهان تفاوت داشته باشد. اکثراً در سایر مناطق جهان مسایل اساسی مربوط به توسعه داخلی و گسترش سرمایه انسانی خواهد بود تا ملتها بتوانند در اقتصاد جهانی مشارکت داشته باشند. در بسیاری از بخشهای خاورمیانه مسایل اساسی کماکان، امنیت خارجی و تلاش

برای تأمین منابع کافی خواهد بود.

## آینده

این توصیف از آینده خاورمیانه به راستی ناخوشایند است. متأسفانه گمان می‌کنم که واقعیت امر نیز چنین باشد. به دشواری می‌توان روندهای مورد بررسی را در جهت مخالف سوق داد. اما این مقاله با این هشدار آغاز شد که به رغم توانایی ما در پیش‌بینی مواردی از اتفاقات آینده یقیناً بیشتر احتمال می‌رود که آینده ما را متحیر سازد.

فیزیک انسانی با فیزیک طبیعی تفاوت دارد. اشیای طبیعی اراده‌ای از خود ندارند، اما انسانها دارای اراده‌اند. آنان می‌توانند رفتار خود را در واکنش به مخاطره‌ها یا فرصتها تغییر دهند. خاورمیانه مهد تمدن اسلامی است که در گذشته فوق‌العاده سازنده بوده است و این توانایی را در آینده نیز خواهد داشت.

همان‌گونه که اشاره شد، مردم خاورمیانه در سده آینده با چالش‌هایی روبه‌رو خواهند شد که برای دیگر ملتها وجود نخواهد داشت. با این همه، ممکن است که آنان صرفاً به پذیرش این سرنوشت رضایت ندهند. باید امیدوار باشیم که این‌گونه باشد و آنان مصرانه خواستار اصلاحات شوند. در آن صورت، ما باید به یاری آنها بشتابیم. به نفع هیچ کس نیست که این منطقه بزرگ همچنان کانون نارضایتی باشد.

## یادداشت‌ها

• این مقاله ترجمه‌ای است از:

Charles W. maynes, "The middle East in the Twenty-First Century", *Middle East Journal*, 52,1 (Winter 1998), PP. 9-16.

- 1 - Benjamin Disraeli, Earl of Beaconsfield, *Henrietta Temple*, Book II, Chapter IV, (1837).
- 2 - United nations Population Division, Department for Economic and Social Information and Policy Analysis, *Sex and Age Distribution of the World Population: The 1994 Revision*, (New York: United Nations, 1995).
- 3 - United Nations Population Division, Department for Economic and Social Information and Policy Analysis, *World Population Prospects: The 1994 Revision*,

- (New York: United Nations, 1995), Annex I, Table 4-A.
- 4 - Samuel P. Huntington, *The Clash of Civilizations and the Remaking of the World Order*, (New York: Simon & Schuster, 1996).
- 5 - US Department of Energy, *International Energy Outlook*, 1977, (Washington, DC: US Department of Energy, December 1996), Table A3.
- ۶ - همان‌چنین در سال ۱۹۹۵ روزانه ۳/۳ میلیون بشکه نفت مصرف کرد؛ وزارت انرژی ایالات متحده آمریکا پیش‌بینی کرده است که در سال ۲۰۱۵ روزانه ۸/۶ میلیون بشکه مصرف خواهد کرد.
- 7 - United Nations Population Division Department for Economic and Social Information and Policy Analysis, *World Population Prospects*, op.cit.
- 8 - J. Anthony Allan, "*Middle East Water, Local and Global Issue*", Working Paper of the Water Issues Group, School of Oriental and African Studies, University of London (London: University of London, August 1995).



## راهنمای راهبرد

فصلنامه راهبرد، ضمن فراخوانی اندیشمندان و پژوهشگران به همکاری، از علاقه‌مندان می‌خواهد در ارائه مقالات خویش موارد زیر را رعایت نمایند:

- ۱- حجم هر نوشتار بیش از ۳۰ صفحه دستنویس یا ۲۵ صفحه ماشین شده نباشد.
- ۲- نوشتار بر روی یک طرف صفحه، خوانا و توأم به فاصله مناسب میان سطور باشد.
- ۳- درج نام، نام خانوادگی، نشانی کامل پستی، شماره تماس و چکیده‌ای از سوابق علمی و پژوهشی نویسنده در پایان هر مقاله ضروری است.
- ۴- متون اصلی مقاله‌های ترجمه شده، همچنین فهرست کامل منابع و مآخذ مقالات تألیفی با مشخصات دقیق کتابشناسی پیوست باشد.
- ۵- فشرده‌یی از نوشتار اصلی (چکیده) بر روی صفحه‌یی جداگانه، پیوست مقالات باشد.
- ۶- در صورت ضرورت، معادل لاتین واژگان علمی، و اسامی خاص در داخل پرانتز آورده شود.
- ۷- در یادداشتهای انتهایی مقاله، منابعی که در متن با شماره‌های ترتیبی به آنها ارجاع داده شده است، با الگوی زیر ذکر شود (در مقالات ترجمه شده نیز از همین الگو استفاده می‌گردد):  
الف: اولین ارجاع به یک منبع:

(۱) کتاب: نام کوچک، نام خانوادگی نویسنده، عنوان کتاب، مترجم (محل نشر: ناشر، تاریخ نشر)، صفحه.

(۲) مقاله: نام کوچک، نام خانوادگی نویسنده، «عنوان مقاله»، مترجم، نام نشریه، دوره، شماره، تاریخ نشر، صفحه

ب: در ارجاعات بعدی به تناسب از پیشین و همان (*Ibid., Loc. cit., Op. cit.*) استفاده شود.

۸ - مقالات ارسالی بازگردانده نمی‌شوند.

۹ - «راهبرده» درگزینش و ویرایش مقالات آزاد است.

۱۰ - از آنجا که باور داریم مطمئن‌ترین راه برای دستیابی به حقایق و واقعیات امور، نگرستن به مسایل از زاویه دیدگاهها و علایق گوناگون است، بنابراین می‌کوشیم تا امکان طرح نظرات و مواضع گوناگون را فراهم آوریم. با این باور هر نوشتاری که به چاپ می‌رسد، لزوماً مورد تأیید «راهبرده» نمی‌باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مرکز تحقیقات استراتژیک منتشر کرده است:

### \* اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)

نویسنده: کاظم قاضی زاده

با همکاری سعید ضیائی فر

چاپ اول. خرداد ۱۳۷۷

[ شامل این مباحث: آشنایی اجمالی با زندگی سیاسی امام خمینی؛ آمیختگی دین و سیاست؛ مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی؛ نظریه ولایت مطلقه فقیه؛ تکلیف‌گرایی؛ مردم و حکومت؛ عدالت اجتماعی و کمال معنوی؛ وحدت؛ استقلال سیاسی؛ روابط خارجی؛ ملی‌گرایی؛ مکتب‌گرایی؛ صدور انقلاب؛ استکبار ستیزی؛ نتیجه‌گیری و تحلیل ]

### \* قانون دیات و مقتضیات زمان

نویسندگان: ابراهیم شفیعی سروستانی، محمدکاظم رحمان‌ستایش، جلال‌الدین قیاسی

چاپ اول. مرداد ۱۳۷۶

[ شامل این مباحث: بررسی تطبیقی ماهیت دیه در فقه مذاهب اسلامی؛ نحوه محاسبه و تعیین دیه در عصر حاضر؛ خسارتهای زاید بر دیه؛ مسئولیت عاقله در پرداخت دیه؛ تغلیظ دیه در ماههای حرام ]

### \* مسؤولیتهای فراملی در سیاست خارجی دولت اسلامی

نویسنده: سیدصادق حقیقت

چاپ اول. مرداد ۱۳۷۶

[ شامل این مباحث: منافع ملی و مسؤولیتهای فراملی؛ نظریه‌های مسؤولیتهای فراملی در

سیاست خارجی دولت اسلامی؛ اصل وفای به تعهدات؛ ولایت و مسؤولیتهای فراملی؛ دفاع و مسؤولیتهای فراملی؛ اسلام و شناسایی دولتها؛ مسؤولیتهای فراملی دولت اسلامی؛ چالشهای سیاست خارجی دولت اسلامی ]

### \* احکام مرتد از دیدگاه اسلام و حقوق بشر

نویسنده: سیف‌الله صرامی

چاپ اول. مرداد ۱۳۷۶

[ شامل این مباحث: مبانی حقوق بشر در آزادی عقیده و بیان و دیدگاه اسلام؛ ارتداد در بستر تاریخ؛ دیدگاههای مذاهب اسلامی و مسأله ارتداد؛ ارتداد در ادله و منابع فقه شیعه؛ اصول برخورد با کفار؛ بررسی سازگاری احکام مرتد و مبانی حقوق بشر ]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی